

**Comparative Studies
in Jurisprudence,
Law, and Politics**

The Basis of Contractual Civil Liability of Consulting Engineers in Domestic and Foreign Law

1. Ebrahim Sorkheh *: Instructor, PhD in Private Law, Shahid Chamran University, Ahvaz, Iran. Email: sorkheh126@gmail.com (Corresponding Author)

ABSTRACT

One of the crucial and fundamental issues in the field of contractual civil liability is the elucidation of the legislator's approach in determining and identifying the basis of contractual civil liability. This matter plays a critical role in imposing liability and the burden of proof on the contractual obligor. The consulting engineer, as one of the professional categories responsible for providing design or supervision services in large construction and infrastructure projects under contract and based on the documents and records of the agreement, is not exempt from this rule. The failure to comply with the conditions of the contract or the technical and engineering standards at any stage of design or supervision can result in the contractual liability of the consulting engineer. In such a situation, the pertinent question is: what is the basis of the contractual liability of the consulting engineer in each of these areas? In the laws of most countries, such as the United States, the United Kingdom, France, Germany, and Egypt, despite the divergence of opinions on this matter, the majority of legal scholars have identified the basis of the contractual liability of the consulting engineer as fault. In our country, the apparent wording of Article 1 of Article 26 of the agreement and the general conditions of standardized consulting service contracts suggests that the responsibility of this profession is considered purely a technical specialty. Nevertheless, upon careful examination of other provisions of the aforementioned general conditions, including Article 2 of Article 26, which denotes the "shortcoming" as a presumption of such liability, and Article 8 of the same regulation, which limits the responsibility of the consulting engineer in fulfilling contractual obligations to efforts and endeavors, it can be inferred that fault is also presumed to be the basis of the contractual liability of the consulting engineer in this professional category.

Keywords: *basis of contractual civil liability, basis of contractual civil liability of consulting engineers, agreement and general conditions of standardized consulting service contracts.*

How to cite: Sorkheh, E. (2024). The Basis of Contractual Civil Liability of Consulting Engineers in Domestic and Foreign Law. *Comparative Studies in Jurisprudence, Law, and Politics*, 6(3), 1-18.

© 2024 the authors. This is an open access article under the terms of the Creative Commons Attribution-NonCommercial 4.0 International (CC BY-NC 4.0) License.

Submit Date: 05 June 2024
Revise Date: 25 August 2024
Accept Date: 15 September 2024
Publish Date: 07 October 2024



پژوهش‌ها و تطبیق فقه،

حقوق و سیاست

مبنای مسئولیت مدنی قراردادی مهندس مشاور در حقوق داخلی و خارجی

۱. ابراهیم سرخه: مربی، دکترای حقوق خصوصی، دانشگاه شهید چمران، اهواز، ایران. پست الکترونیک: sorkheh126@gmail.com (نویسنده مسئول)

چکیده

یکی از مسائل مهم و اساسی در مبحث مسئولیت مدنی قراردادی، تبیین رویکرد قانونگذار در تعیین و شناسایی مبنای مسئولیت مدنی قراردادی است. امری که در تحمیل مسئولیت و بار اثبات بر دوش متعهد قراردادی نقش اساسی ایفا می‌کند. مهندس مشاور نیز به عنوان یکی از اصناف حرفه‌ای که ارائه خدمات طراحی یا نظارت را در پروژه‌های بزرگ عمرانی و زیربنایی به موجب قرارداد و بر اساس اسناد و مدارک پیمان بر عهده می‌گیرد از این قاعده مستثنی نیست. عدم رعایت شرایط پیمان و یا استانداردهای فنی و مهندسی در هر یک از مراحل طراحی یا نظارت می‌تواند مسئولیت قراردادی مهندس مشاور را در پی داشته باشد. در چنین وضعیتی سوال مطرح این است که مبنای مسئولیت قراردادی مهندس مشاور در هر یک از این حوزه‌ها کدام است؟ در حقوق اکثر کشورها به مانند آمریکا، انگلیس، فرانسه، آلمان و مصر با وجود تشتت آراء در این خصوص اکثر حقوقدانان مبنای مسئولیت قراردادی مهندس مشاور را تقصیر اعلام نموده‌اند. در کشور ما نیز آنچه که از ظاهر بند ۱ ماده ۲۶ موافقت نامه و شرایط عمومی همسان قراردادهای خدمات مشاوره بر می‌آید، مسئولیت این صنف از حرف تخصصی محض انگاشته شده است با وجود این، با مذاقه و امعان نظر در سایر مقررات شرایط عمومی مذکور منجمله بند ۲ ماده ۲۶ که "کاستی" اماره چنین مسئولیتی دانسته است و نیز ماده ۸ همان آئین نامه که مسئولیت مهندس مشاور را در ایفای تعهدات قراردادی، محدود به کوشش و تلاش نموده است می‌توان اینگونه استنباط نمود که در این صنف از مشاغل حرفه‌ای نیز تقصیر مبنای مسئولیت قراردادی مهندس مشاور فرض شده است.

واژگان کلیدی: مبنای مسئولیت مدنی قراردادی، مبنای مسئولیت مدنی قراردادی مهندس مشاور، موافقتنامه و شرایط عمومی همسان قراردادهای خدمات مشاور

نحوه استناددهی: سرخه، ابراهیم. (۱۴۰۳). مبنای مسئولیت مدنی قراردادی مهندس مشاور در حقوق داخلی و خارجی، حقوق ایران و آمریکا. پژوهش‌های تطبیقی فقه، حقوق و سیاست، ۶(۳)، ۱۸-۱.

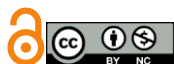
© ۱۴۰۳ تمامی حقوق انتشار این مقاله متعلق به نویسنده است. انتشار این مقاله به صورت دسترسی آزاد مطابق با گواهی (CC BY-NC 4.0) صورت گرفته است.

تاریخ ارسال: ۱۶ خرداد ۱۴۰۳

تاریخ بازنگری: ۴ شهریور ۱۴۰۳

تاریخ پذیرش: ۲۵ شهریور ۱۴۰۳

تاریخ چاپ: ۱۶ مهر ۱۴۰۳



در طراحی و ساخت پروژه‌های بزرگ عمرانی و زیربنایی اشخاص متعددی دخالت دارند. یکی از اشخاص مهم و ذی‌مدخل در این پروسه‌های عمرانی، مهندس مشاور می‌باشد. مهندس مشاور (اعم از شخص حقیقی یا حقوقی) در چارچوب اختیارات تعیین شده در اسناد و مدارک پیمان، انجام خدمات موضوع قرارداد را در مقابل طرف دیگر قرارداد (اعم از کارفرما، پیمانکار، مدیر پروژه، کنسرسیوم) بر عهده می‌گیرد. این خدمات می‌تواند محدود به مرحله طراحی باشد یا نظارت بر عملیات اجرایی و یا هر دو مرحله. چنانچه به واسطه عدم رعایت استانداردهای فنی یا مهندسی (که معمولاً پیوست قرارداد است) و یا دیگر شرایط قراردادی خسارتی به کارفرما وارد آید، مهندس مشاور بی‌تردید دارای مسئولیت است و می‌بایست از عهده خسارات وارده به کارفرما بر آید. با این حال آنچه در این خصوص حائز اهمیت است این است که آیا برای تحقق مسئولیت مدنی مهندس مشاور صرف بروز خسارت کفایت می‌کند یا اینکه در چنین شرایطی کارفرما مکلف به اثبات تقصیر مهندس مشاور می‌باشد؟ به عبارت دیگر آیا از دید مقنن، مسئولیت این صنف از مشاغل حرفه‌ای محض تلقی شده است یا مبتنی بر تقصیر؟ پاسخ به چنین سوالی، مبنای مسئولیت مدنی قراردادی مهندس مشاور را تعیین خواهد نمود. با این حال پیش از پاسخ به سوال مذکور لازم می‌آید تا نخست به ذکر نظریات مختلف در خصوص مبنای مسئولیت مدنی قراردادی به طور کلی بپردازیم و سپس با تکیه بر مواد مختلف قانونی و تجزیه و تحلیل آنها، به تبعیت یا عدم تبعیت قانونگذار از هر یک از دیدگاههای مذکور در حوزه مسئولیت قراردادی مهندس مشاور خواهیم پرداخت.

۱ - مبنای مسئولیت مدنی قراردادی

در تعریف مبنای مسئولیت مدنی آن را «نقش تقصیر در مسئولیت» دانسته‌اند (Ghorbanpour, 2015). این برداشت از مبنای مسئولیت مدنی در حقیقت ریشه در اهمیت و نقش تقصیر در شکل‌گیری این گونه مسئولیت دارد. با این حال در بحث از مبنای مسئولیت مدنی، سوال مطرح در واقع به خاستگاه و علت وجودی مسئولیت بر می‌گردد. مبنای مسئولیت مدنی بر این اندیشه استوار است که چرا عامل ورود زیان می‌بایست خسارت وارده به غیر را جبران نماید (Starck, 1731)؟ همانگونه که برخی از نویسندگان بیان داشته‌اند به چه دلیل و وجه عقلایی، عامل فعل زیانبار باید زیان وارده به دیگری را جبران نماید؟ پاسخ به این پرسش مبنای مسئولیت مدنی را تشکیل می‌دهد (Barikloo, 2006).

در کشور ما و در بحث مربوط به تعهدات، برخی از حقوقدانان بر این باورند که با توجه به اینکه قانونگذار در قانون مدنی (ماده ۲۲۱ قانون مدنی) اشاره‌ای به تقصیر به عنوان مبنای مسئولیت قراردادی ننموده است و از سویی دیگر اثبات بی‌تقصیری نیز شخص مقصر را از مسئولیت رها نمی‌سازد (ماده ۲۲۷ قانون مدنی) همین امر باعث شده است تا این اندیشه به ذهن متبادر شود که از دید قانونگذار صرف عهد شکنی تقصیر تلقی شده است و دیگر نیازی به اثبات تقصیر دیده نشود. بنابراین تفسیر، تقصیر قراردادی همان عهد شکنی است و در حقیقت این دو مفهوم با هم مخلوط شده است؛ به عبارت دیگر گریز از تعهدات قراردادی و عهدشکنی، خطا و تقصیر محسوب می‌گردد و عدم اجرای قرارداد عین خطاست (Al-Sanhouri, 1964). این نظر با ظاهر مواد ۲۲۱ و ۲۲۷ قانون مدنی سازگار به نظر می‌رسد. برخی نیز به ظاهر این مواد اعتنایی نکرده و نظری که تقصیر را مبنای مسئولیت مدنی قراردادی می‌داند را قوی‌تر دانسته‌اند. با این حال این نویسندگان نیز با توجه به موضوع تعهد، گاه فرض تقصیر را پذیرفته‌اند و گاه لزوم اثبات تقصیر را برای توجه مسئولیت به عهد شکن لازم دانسته‌اند. به عبارت دیگر چنانچه موضوع تعهد، انجام کار معینی است (تعهد به نتیجه) اگر نتیجه به دست نیاید، چنین فرض می‌شود که متعهد به مفاد پیمان عمل نکرده

است ولي در جايي كه تعهد ناظر به امري مشخص نيست و مديون مواظبت و حفاظت را به عهده مي گيرد (تعهد به وسيله)، اثبات عدم انجام آن به سادگي انجام نمي پذيرد، چرا كه تعهد موضوعي قاطع و ممتاز ندارد. امكان دارد نتيجه مطلوب طرف قرارداد روشن باشد و احراز شود بدست نيامده است، ولي اشكال در اين است كه، بنا به فرض، آن نتيجه موضوع التزام نبوده است و متعهد تهيه مقدمات و كوشش در راه نيل به مقصود را به عهده گرفته است. پس، براي اثبات «عدم انجام تعهد» به دليل زيادترى احساس نياز مي شود (Katouzian, 2016). واقع امر اين است كه، هر چند كه از ظاهر مواد قانوني چنين بر مي آيد كه قانونگذار عهدشكني را تقصير تلقى نموده است، با اين حال در برخي از موارد، نقض عهد را اماره تقصير دانسته و امكان اثبات خلاف را بدون توسل به قوه قاهره مجاز دانسته است. به عنوان مثال مي توان به بند ۲ ماده ۱۱۳ قانون دريابي يا ماده ۳۸۶ قانون تجارت اشاره نمود.

در حقوق فرانسه نيز در اين زمينه اختلاف نظر وجود دارد. برخي صرف نقض عهد را ملاك احراز تقصير ندانسته و مفهوم تقصير را با كار قابل سرزنش در هم آميخته و معتقدند كه زماني مي بايست فرد را مقصر دانست كه كار او قابل سرزنش باشد. اين حقوقدانان برآنند كه در مسئوليت قراردادي اصل اين است كه مديون بايد به مانند «پدر خوب خانواده» رفتار كند و خطاي قابل اغماض ايجاد مسئوليت نمي كند.^۲ در اين مفهوم تقصير طبيعي ممتاز از مفهوم تقصير غير قراردادي ندارد، بنا بر اين همين كه ثابت شود فرد مقصر كوتاهي يا عمدي مرتكب نگريده است، مسئوليتي متوجه او نخواهد شد. برخي نيز ضمن قبول تقصير به عنوان مبناي مسئوليت معتقدند كه عدم اجراي تعهد خود تقصير است و نيازي به اثبات تقصير وجود ندارد.^۳ عده اي نيز بر آن رفته اند كه در صورتى كه مفاد قرارداد تعهد به نتيجه باشد، عدم حصول نتيجه خود تقصير است اما در جايي كه تعهد به وسيله است مسئوليت با اثبات تقصير متعهد تحقق مي يابد. توضيح اينكه در تعهد به نتيجه متعهد حصول نتيجه خاصي را در مقابل متعهد، تضمين مي نمايد مانند تعهد متصدي حمل و نقل به سالم رساندن كالا به مقصد. در اين نوع تعهد، صرف عدم حصول نتيجه مورد نظر خود دلالت بر تقصير دارد، مگر اينكه متعهد عدم حصول چنين نتيجه اي را به حادثه خارجي منتسب نمايد اما در تعهد به وسيله صرف سعي و تلاش متعارف متعهد در حصول نتيجه مورد نظر ملاك قرار مي گيرد، مانند تعهد پزشك در مقابل بيمار. و بالاخره برخي نيز به مانند ژوسران با توجه به مواد ۱۱۴۷ و ۱۱۴۸ قانون مدني معتقد به مسئوليت محض مي باشد. در حقوق كامن لا و بر اساس نظريه مسئوليت محض،^۴ در صورت نقض تعهد، شخص ملزم به جبران خسارت است و اثبات بي تقصيري او را از تحمل خسارت نمي رهند (Prosser & Page, 2004). در اين خصوص نكته قابل ذكر اين است كه، در اين حقوق، در صورت عدم ايفاي تعهدات سخن از «نقض قراردادي» (Prosser & Page, 2004) به ميان مي آيد، درحالي كه در مسئوليت مدني غير قراردادي^۵ تقصير^۶ به عنوان عامل توجه مسئوليت به عامل ورود زيان، مورد بررسي قرار مي گيرد. بنا بر اين در حقوق انگليس مبناي مسئوليت مدني قراردادي، مسئوليت محض است و تقصير در آن جايگاهي ندارد برخلاف مسئوليت قهري كه بر مبناي تقصير بنا نهاده شده است. در تعريف نقض (Breach) بيان شده است كه نقض

^۱ - un bon père de famille.

^۲ - كولن و كاپيتان و لاموراندير، جلد ۲، ش ۱۲۵۵ - ساواتيه، رساله مسئوليت مدني، ج ۱ ش ۱۱۱ - در حقوق انگليس، كلرك و ليندسل، مسئوليت مدني، ش ۱-۰۶ ص ۶، نقل از كاتوزيان، ناصر، مسئوليت مدني، جلد اول، همان منبع، ص ۱۰۲.

^۳ - پلنيول تقصير را نقض عهدي مي داند كه سابقاً (متعهد) پذيرفته است. "la faute est un manquement a une obligation préexistante".

^۴ - Strict Liability.

^۵ - Tort.

^۶ - Negligent.

متضمن تقصیر غیر قابل توجیه در ایفای تعهدات مثبت قراردادی است (خواه تعهد حاوی شرط صریح باشد یا ضمنی)، یا انجام امری است که متعهد ملتزم به عدم انجام آن شده است (نقض تعهد سلبی) (Neil, 2011). نقض قراردادی به عنوان یکی از راه‌های پایان دادن به قرارداد در حقوق انگلیس از اختیارات متعهدله است.^۱

در قواعد و مقررات حقوق آلمان آشفتگی خاصی در این خصوص به چشم می‌خورد. در ماده ۲۸۰ قانون مدنی آلمان قانونگذار صحبت از خسارت ناشی از نقض تعهد (pflichtverletzung) یا وظیفه به میان می‌آورد. عبارت (pflichtverletzung) مندرج در این ماده شامل هر دونوع تعهدات قراردادی و غیر قراردادی می‌شود. با این حال مصادیق موضوع ماده ۸۲۳ قانون مدنی، مسئولیت قهری و غیرقراردادی (Tort) را در بر نمی‌گیرد. این مفهوم با مفهوم «نقض قراردادی» در حقوق کامن‌لاو، دو تفاوت اساسی دارد. تفاوت عمده نخست در پافشاری قانون آلمان بر عامل تقصیر به عنوان پیش شرط تحقق مسئولیت به پرداخت خسارت است. بر خلاف سیستم کامن‌لا که هر گونه قصور در اجرای تعهدات قراردادی را (صرفنظر از تقصیر) که به موجب قرارداد بر طرفین تحمیل شده را نقض قرارداد فرض نموده است. تفاوت دوم به رژیم الزام آور بودن اجرا و ایفای تعهد بر می‌گردد. همانگونه که در کلام مک کندریک^۲ آمده است، منطق بسیاری از قواعد حقوقی در حقوق انگلیس بر این مبنا شکل گرفته است که طرفین قرارداد در صورت نقض قرارداد، «باید از معامله دوری گزینند و جای دیگر به دنبال تلافی و جبران خسارت باشند».^۳ در حقوق آلمان پیش از آنکه طرفین به دنبال جبران خسارت در جای دیگر بروند حداقل سعی خواهند نمود تا قرارداد را زنده نگه دارند (Markesinis & Johnston, 2006). در حقوق آلمان ضمانت اجرای عدم ایفای تعهدات قراردادی، الزام متعهد، فسخ و یا جبران خسارت در صورت ورود می‌باشد. بموجب ماده ۲۷۶ قانون مدنی آلمان، متعهد مسئول خساراتی است که در نتیجه عمد یا بی‌مبالاتی وی ایجاد شده است، به شرط آنکه به صراحت یا به طور ضمنی از تعهدات طرفین استنباط خلاف به دست نیاید. بنابراین با توجه به ماده اخیرالذکر، در حقوق آلمان نیز «اصل تقصیر»^۴ به عنوان مبنای مسئولیت قراردادی پذیرفته شده است. بر طبق ماده فوق‌الاشاره تقصیر در حقوق آلمان اعم است از تقصیر عمدی یا تقصیر ناشی از بی‌مبالاتی. از مفهوم مخالف ماده ۲۸۰ قانون مدنی آلمان نیز اینگونه استنباط می‌شود که قانون آلمان فرض تقصیر را در چنین مواردی پذیرفته است و بر متعهد است تا برای رهایی خود از مسئولیت، بی‌تقصیری خود را به اثبات برساند. همین معنا از مادتين ۲۸۶ و ۳۱۱ قانون کشور مذکور مستفاد می‌شود (Markesinis & Johnston, 2006).

در حقوق آمریکا اندیشمندان حقوقی و دادگاهها معمولاً از سیستم مسئولیت محض در حقوق قراردادها دفاع می‌نمایند. مسئولیت محض بطور کلی به این معناست که علت عدم ایفای تعهد، مدخلیتی در تعیین اینکه چرا طرف قرارداد را نقض نموده است، ندارد. مسئولیت محض در دکترین خساراتهای قراردادی، که بر اساس آن، دلیل و علت نقض، اهمیتی در تعیین خسارات وارده ندارد، نیز رسوخ نموده است. همچنین در نظریه تشکیل قرارداد که بر طبق آن علت قصور در انعقاد قرارداد اهمیتی پیدا نمی‌کند. با این حال امروزه اکثر حقوقدانان آمریکایی بویژه آنهایی که جنبه اقتصادی قرارداد را در نظر می‌گیرند این ایده را درست نمی‌دانند. به عقیده آنان «تقصیر» پایه و ستون حقوق قراردادها را تشکیل می‌دهد و بر آن سایه افکننده است. برخی از موضوعات حقوق قرارداد، مانند غیرعادلانه (تحمیلی) بودن، مبتنی بر تقصیر می‌باشند.

^۱ - موارد خاتمه یافتن و سقوط تعهدات در حقوق انگلیس عبارتند از ۱- ایفای تعهد (Performance) در صورتی که به طور کامل اجرا شود ۲- توافق (Agreement) ۳- نقض قرارداد (Breach of Contract) و عقیم شدن قرارداد یا تعسر (Frustration).

^۲ - McKendrick.

^۳ - walk away from a deal and seek satisfaction elsewhere.

^۴ - Fault Principle.

برخی دیگر از موضوعات مانند تفسیر، دربرگیرنده بخش‌هایی است که عمدتاً مبتنی بر تقصیر است. هر چند برخی موضوعات همانند مسئولیت ناشی از عدم ایفای تعهد، ظاهراً بر مبنای مسئولیت محض می‌باشند اما در واقع بخش عمده‌ای از آن‌ها بر مبنای تقصیر ناشی از نقض تعهد، بدون دلیل موجه قرار می‌گیرند. حقوق قراردادها میان دو نوع تقصیر، تمایز قائل شده است. نقض هنجارهای اخلاقی قوی و ارزشی مانند ممنوعیت فریب و غبن و نقض معیارهایی که از لحاظ اخلاقی تا حدودی کم اهمیت‌تر جلوه می‌دهند، مانند لزوم مراقبت، در برخی از حقوق قراردادها یک نوع از تقصیر غلبه دارد. وقتی هر دو نوع تقصیر وجود داشته باشند، شخصی که مرتکب تقصیر اخلاقی شدید شده است بر کسی که مرتکب تقصیر اخلاقی کم اهمیت‌تری شده است، رجحان دارد. حقوق قراردادها نمی‌تواند خود را از این شرایط برهاند. بویژه آنکه اگر تعهدات اخلاقی و تقصیر را از حقوق قراردادها حذف کنیم، کارایی سیستم قراردادی به شدت کاهش می‌یابد. هولمز از طرفداران رویکرد مبتنی بر مسئولیت محض معتقد است همانطور که دلیل عدم اجرا اهمیتی در تعیین نقض قرارداد ندارد، دلیل نقض هم اهمیتی در تعیین خسارت ندارد.

واقعیت امر این است که مسئولیت محض به عنوان اصل در مسئولیت قراردادی در حقوق آمریکا همانند حقوق انگلیس پذیرفته شده است هر چند که در مواردی قانونگذار آمریکایی از این قاعده عدول نموده است. بر اساس ماده ۲۳۵ دومین مجموعه قواعد قراردادی تنها اجرای کامل قرارداد متعهد را از مسئولیت می‌رهاند و عدم اجرا ولو جزئی، نقض قراردادی تلقی می‌شود.

حال پس از آشنایی مختصر با نظریات مختلف در مورد مبنای مسئولیت مدنی قراردادی، به بیان حکم قانونگذار در خصوص مبنای مسئولیت مدنی قراردادی مهندس مشاور خواهیم پرداخت. بی‌تردید یکی از مهمترین منابع در این خصوص شرایط عمومی همسان قراردادهای خدمات مشاوره است. به همین خاطر، ما در این کنکاش ضمن تکیه بر مفاد شرایط عمومی همسان قراردادهای خدمات مشاور و تبیین رویکرد قانونگذار در این باره، به مطالعه تطبیقی آن نیز اشاره‌ای خواهیم نمود.

۲- مبنای مسئولیت مدنی قراردادی مهندس مشاور در مرحله مطالعات و نظارت

۲-۱: در حقوق داخلی

همانگونه که اشاره شد در پروژه‌های عمرانی و زیربنایی که توسط دولت یا با مشارکت بخش عمومی - خصوصی صورت می‌پذیرد، مهندس مشاور طراحی یا نظارت بر پروژه یا هر دو وظیفه را بر عهده دارد. در خصوص مقررات حاکم بر هر یک از دو مرحله (مطالعات و نظارت) - با وجود اختلاف ماهیتی و تبعیت مرحله طراحی از علوم دقیقه - دستورالعمل نحوه تکمیل و تنظیم موافقتنامه، شرایط عمومی و پیوست‌های قراردادهای خدمات مشاوره شماره ۱۴۰۱/۴۷۶۶۴۵ مورخ ۱۴۰۱/۰۹/۰۷ (بند ۴-۲) تفاوتی میان آندو قائل نشده است و مقررات یکسانی را حاکم بر مرحله خدمات مطالعات (مطالعه و طراحی) و نظارت (یا خدمات مرحله ساخت و تحویل) دانسته است. بنابراین از دید واضح، مفاد توافقنامه مزبور قابل تعمیم به هر یک از دو مرحله بوده و برای شناسی قواعد حاکم بر آن منجمله مبنای مسئولیت قراردادی مهندس مشاور قابل استناد می‌باشد. لذا با این پیش فرض و در مقام یافتن مبنایی برای مسئولیت مدنی قراردادی مهندس مشاور (در هر دو مرحله مطالعات و نظارت) نخست به بررسی و واکاوی قوانین داخلی بالخصوص شرایط عمومی همسان قراردادهای خدمات مشاوره خواهیم پرداخت و سپس به مطالعه تطبیقی و بیان حقوق خارجی در این خصوص اشاره‌ای خواهیم نمود.

در تعریف طراحی گفته شده است «مشخصات فنی کار است که حاوی کلیه برنامه‌ها و نقشه‌های مربوط به آن و انتخاب روش‌های ساخت و ساز و انتخاب مواد مورد استفاده می‌باشد» (Goudsmit, 1976: 27) یا اینکه « فرایند ترکیب ایده‌ها با نیازها و ارائه آن به صورت شماتیک یا نقشه همراه با مشخصات و دستورالعمل‌های لازم به منظور اجرای آن». قرارداد طراحی در واقع سند واحدی است که دارای ضوابط متعددی است. بر اساس ماده B101 از AIA^۱ قرارداد طراحی از پنج فاز و مرحله تشکیل شده است. فاز و مرحله طراحی شماتیک (طرح واره)^۲، مرحله تکوین و توسعه طراحی^۴، مرحله اسناد ساخت^۵، مرحله مناقصه و مذاکره^۶ و مرحله ساخت. طراحی یک پروژه خاص متضمن تصمیم راجع به شکل و فرم پروژه، عناصر تشکیل دهنده آن شکل و فرم، مشخصات دقیق ابعاد آنها، مشخصات مواد و عملکرد هر یک از قطعات این عناصر، کیفیت مطلوب و چگونگی ارتباط و همبستگی این عوامل با همدیگر می‌باشد. عدم انطباق طراحی با شرایط قراردادی و اسناد پیوست پیمان در اجرای پروژه‌ها و یا عدم رعایت استانداردها و ضوابط و دستورالعمل‌های مربوط به طراحی نقشه‌ها و مشخصات مربوط به پروژه اعم از مصالح، مقادیر، فهرست بهاء، زمانبندی و دیگر موارد مرتبط با آن و یا هر دو می‌تواند مسئولیت مهندس مشاور را در این مرحله باعث شود.

مرحله نظارت نیز پس از مرحله مطالعه و تهیه نقشه‌های پایه و تفصیلی و انتخاب پیمانکار بر مبنای مناقصه شروع خواهد شد. ماده ۹ شرایط عمومی پیمان وظیفه اصلی مهندس مشاور را «نظارت» دانسته است. نظارت مهندس مشاور بر اساس شرایط عمومی پیمان را می‌توان عمدتاً به ۱- نظارت فنی، ۲- نظارت مالی و، ۳- نظارت کارگاهی تقسیم نمود. با این حال در برخی موارد نقش مهندس مشاور از نظارت صرف خارج می‌شود و جنبه هماهنگی یا اطلاع پیدا می‌کند. از میان نظارتهای یاد شده آنچه که با حرفه و تخصص مهندس مشاور همخوانی دارد، عمدتاً نظارت فنی است که در طول حیات پروژه صورت می‌پذیرد. از جمله این نظارتهای می‌توان به، نظارت بر انجام عملیات اجرایی مطابق برنامه زمان بندی تفصیلی و عنداللزوم اصلاح آن(بند «ب» و «ج» ماده ۱۸ شرایط عمومی پیمان)، تعیین شکل و چگونگی تهیه گزارش کامل ماهانه میزان پیشرفت یا تاخیر عملیات اجرایی(بند «ه» ماده ۱۸ شرایط عمومی پیمان)، پیاده کردن نقشه‌ها، تهیه، رفع نواقص، اشتباهات و عنداللزوم تغییر آنها(بند «د» ماده ۳۲ شرایط عمومی پیمان)، نظارت فنی بر مرغوبیت مصالح و تجهیزات(بند ۱ و ۲ قسمت «ب» ماده ۲۰ شرایط عمومی پیمان) اشاره نمود. نظارت کارگاهی نیز شامل تایید طرح جانمایی تجهیزات نظارت بر ماشین آلات و ابزار کارگاهی و نظارت بر حفاظت فنی و بهداشت کار در محیط کارگاهی می‌گردد. هر گونه قصور در نظارت یاد شده می‌تواند مسئولیت قراردادی مهندس مشاور به بار آورد.

در صورت بروز خسارت در هر یک از مراحل طراحی یا نظارت سوال مهم این است که آیا صرف حدوث چنین امری برای تحقق مسئولیت مدنی قراردادی مهندس مشاور کفایت می‌کند یا اینکه تحقق چنین مسئولیتی منوط به اثبات قصور مهندس مشاور در هر یک از این مراحل است؟

1 - Exhibits or Attachments

2 - American Institute of Architects

3 - Schematic Design Phase

4 - The Design Development Phase

5 - Construction Documents Phase

6 - The Bid or Negotiation Phase

در پاسخ به چنین پرسشی می‌بایست اذعان داشت که بند ۱ ماده ۲۶ موافقت‌نامه و شرایط عمومی همسان قراردادهای خدمات مشاوره، در باب مسئولیت قراردادی مهندس مشاور در قبال کارفرما بیان می‌دارد «مهندس مشاور، در قبال کارفرما و برای ارائه خدمات^۱ پیش‌بینی شده در پیوستهای ۱ و ۲ این قرارداد، مسئول است». بنابراین به موجب این بند، مهندس مشاور در مقابل خدماتی که بر طبق قرارداد به عهده می‌گیرد مسئولیت دارد. آنچه از ظاهر بند فوق قابل استنباط است این است که از دید مقرر مذکور، مسئولیت مهندس مشاور در مقابل خدماتی که به موجب قرارداد بر عهده می‌گیرد، محض فرض شده است. با این حال، با مذاقه و امعان نظر در مفاد دیگر این بخشنامه این نتیجه حاصل می‌شود که نباید به ظاهر این ماده اعتنا نمود.

توضیح اینکه ماده ۸ شرایط عمومی همسان قراردادهای خدمات مشاوره، با تأکید بر دقت و کوشش مهندس مشاور در اجرای وظایف محوله، اعلام می‌دارد «مهندس مشاور باید خدمات موضوع این قرارداد را منطبق با اصول فنی و مهندسی و براساس استانداردهای تخصصی و حرفه‌ای و با رعایت ملاحظات مالی و اقتصادی، طبق دستورالعمل‌های مربوط و با به کارگیری حداکثر مهارت و دقت، به وسیله کارکنانی که واجد صلاحیت تخصصی و حرفه‌ای هستند، انجام دهد و در مواردی که اظهار نظر و صلاح‌دید به او واگذار شده است، منصفانه و بی‌طرفانه عمل کند.» از طرف دیگر بند ۲ ماده ۲۶ آیین‌نامه مزبور بیان می‌دارد؛ «مهندس مشاور مسئول و جوابگوی کاستی‌هایی است که به علت نقص کار او بعدها در کار مشاهده شود». مستنبط از مواد یاد شده این است که از دید قانونگذار، مهندس مشاور زمانی مسئول تلقی می‌شود که در کار خود دقت و کوشش لازم و متعارف را به عمل نیاورده باشد و از این حیث در کار وی کاستی حاصل آید. به عبارت دیگر کاستی نتیجه عدم دقت و کوشش متعارفی است که مهندس مشاور می‌بایست در اجرای مفاد قرارداد و انجام امور محوله از خود نشان دهد. مقصود از دقت یا کوشش متعارف در این خصوص مقایسه عملکرد مهندس مشاور با فردی هم‌تراز وی در همان رشته تخصصی و فنی می‌باشد. بنابراین همانگونه که مشاهده می‌شود، در مقرر یاد شده، مبنای مسئولیت مدنی مهندس مشاور چه در مرحله طراحی و چه در مرحله نظارت، تقصیر تلقی شده است. این تفسیر به راحتی از مفاد مواد یاد شده و عبارت «نقص» مندرج در آن قابل استنباط است، چرا که نقص در حقیقت ناشی از ترک فعلی است که متعهد (مهندس مشاور) به موجب قرارداد یا بر حسب عرف ملزم به انجام آن بوده است (مواد ۹۵۲ و ۹۵۳ قانون مدنی). به عنوان مثال چنانچه مهندس مشاور در تهیه نقشه‌ها، استانداردهای لازم را رعایت نکند یا اینکه دقت و کوشش لازم در اجرای قرارداد نداشته باشد، از اهمال و نقص وی کاستی حاصل می‌شود.^۳

۱-۱-۲: فرض تقصیر مهندس مشاور

- ۱ - منظور از خدمات عبارت از فعالیت‌ها و اقداماتی است که در اجرای موضوع قرارداد، از سوی مهندس مشاور تعهد شده است (بند ۸ ماده ۱ موافقت‌نامه).
- ۲ - در پیوست یک موضوع قرارداد و در پیوست ۲ شرح خدمات، قسمت‌ها و مراحل مختلف موضوع قرارداد را شامل می‌شود.
- ۳ - ماده ۵۱۷ قانون مجازات اسلامی نیز در این باره اعلام می‌دارد «اگر مالک یا کسی که عهده دار احداث ملکی است بنایی را به نحو مجاز بسازد یا بالکن و مانند آن را با رعایت نکات ایمنی و ضوابط فنی که در استحکام بنا لازم است در محل مجاز احداث کند و اتفاقاً موجب آسیب یا خسارت گردد، ضامن نیست. تبصره - اگر عمل غیرمجاز به گونه‌ای باشد که نتوان آن را به مالک مستند نمود مانند آنکه مستند به مهندسان ذیربط ساختمان باشد ضامن از مالک منتفی و کسی که عمل مذکور مستند به اوست ضامن است» تبصره این ماده از مهندسان ذیربط نام برده و با تکیه بر شرط مذکور در صدر ماده، تقصیر ناشی از عمل آنان را از موجبات برائت مالک دانسته است. بنابراین از دید این ماده نیز مسئولیت مهندس مبتنی بر تقصیر است. ماده ۳۳۳ قانون مدنی نیز مسئولیت صاحب دیوار، عمارت و کارخانه را منوط به عدم مواظبت دانسته است.

حال با توجه به این فرض که مبنای مسئولیت قراردادی مهندس مشاور، مبتنی بر تقصیر است، می‌بایست تبیین نمود که آیا تقصیر مذکور در صورت بروز «کاستی» مفروض انگاشته شده است یا اینکه چنین تقصیری می‌بایست به اثبات برسد؟ به دیگر سخن، آیا از لحاظ ماده ۲۶ شرایط عمومی همسان قراردادهای خدمات مشاوره، صرف بروز نقص، تقصیر تلقی شده است یا اینکه تقصیر مهندس مشاور در صورت بروز چنین نقصی باید به اثبات برسد؟ تفاوت میان این دو فرض در تحمل بار اثبات نمایان می‌شود. در صورت مفروض بودن تقصیر مهندس مشاور، وی باید برای رهایی از مسئولیت، عدم تقصیر خود را به اثبات برساند در حالی که در فرض دوم این زیان‌دیده است که باید تکلیف بار اثبات را بر دوش کشد و برای جبران ضرر وارده بر خود، تقصیر مهندس مشاور را به اثبات برساند.

یکی از راهکارهای حقوقی پیش رو برای پاسخ به چنین پرسشی، شناسایی جنس تعهدات و مفاد التزام طرفین قراردادی است. در واقع چنانچه تعهدات طرفین چنین قراردادی را از جنس تعهد به نتیجه بدانیم، مسئولیت محض خواهد بود اما اگر چنین تعهدی، تعهد به وسیله فرض شود، زیان‌دیده ناگزیر از اثبات تقصیر خواهد بود. فلذا، در باب مسئولیت قراردادی مهندس مشاور و در مقام پاسخ به پرسش مزبور مقدماتی می‌بایست به این پرسش پاسخ داده شود که آیا مفاد التزام و جنس تعهدات مهندس مشاور از نوع تعهد به نتیجه است یا تعهد به وسیله؟ در این راستا می‌بایست اذعان داشت که در راه شناسایی تعهد به وسیله و تعهد به نتیجه^۱ معیارهای مختلفی از سوی حقوقدانان بیان شده است. برخی آن را به اراده طرفین وابسته دانسته‌اند (Katouzian, 1997, 2016) و برخی نیز موضوع تعهد را ملاک قرار داده‌اند. از این نقطه نظر تعهد به انجام کار معین اکثراً تعهد به نتیجه است و تعهد به فعل یا ترک فعل کلی و نامعین از نوع تعهد به وسیله است. بر این اساس تعهدات قراردادی اکثراً تعهدات به نتیجه هستند و اکثر الزامات خارج از قرارداد از نوع تعهد به وسیله است (Katouzian, 1997, 2016) احتمالی بودن نتیجه تعهد نیز از جمله معیارهای دیگری است که برای این تمییز ارائه شده است. از دید این نویسندگان چنانچه نتیجه مورد نظر متعهدله، بدون دشواری قابل دسترسی باشد، تعهد ناظر به نتیجه است و در صورت تاثیر احتمال در حصول نتیجه، تعهد به وسیله است (Ghahramani, 2005)؛ بار اثبات نیز در زمره ملاک‌هایی است که برای این تمایز مورد توجه قرار گرفته است. هر چند تعبیر و تصریح موافقت‌نامه به «دقت و کوشش» مهندس مشاور، این اندیشه را در ذهن متبادر می‌سازد که نوع تعهد وی از جنس تعهد به وسیله است با این حال ماهیت و طبیعت کار مهندس مشاور چه در مرحله طراحی و چه در مرحله نظارت، خلاف آن را به ذهن متبادر می‌کند. چرا که اراده و هدف طرفین (بویژه کارفرما) آن است تا با انعقاد چنین قراردادی، به نتیجه مقصود که همانا تحویل کار بی‌عیب و منطبق با اسناد و مدارک پیمان و با رعایت کلیه استانداردها و اصول فنی و مهندسی است برسد. بنابراین مستفاد از اراده و بناء طرفین، تحقق کار معین و حصول نتیجه مقصود، انگیزه و مبنای انعقاد چنین عقدی است. با تکیه بر این واقعیت است که اکثر حقوقدانان جنس چنین تعهداتی را متفاوت از حَرَف دیگر دانسته و آن‌ها را از نوع تعهد به نتیجه دانسته‌اند (Abdel-Samee Al-Oden, 2004).

از سیاق عبارات و نگارش ماده ۲۶ موافقت‌نامه نیز همین برداشت قابل استنباط است. بنابراین در نتیجه‌گیری نهایی می‌توان عنوان داشت که مسئولیت مهندس مشاور در مرحله طراحی و نظارت مبتنی بر تقصیر است و قانونگذار مسئولیت وی را مفروض انگاشته است. پس در صورت نقص و بروز خسارت، فرض این است که مهندس مشاور مقصر می‌باشد مگر اینکه ثابت نماید در ایفای تعهدات قراردادی خود قصور و کوتاهی نورزیده و نقص و کاستی موجود منتسب به وی نمی‌باشد.

¹- Obligations de moyens et obligation de résultat (obligation means and obligation to achieve a certain result).

۲-۲: حقوق خارجی

در حقوق انگلستان بطور کلی مبنای مسئولیت اشخاص یا تقصیر ناشی از اهمال (Negligent) است یا مسئولیت محض (Strict Liability). در تعهدات قراردادی مربوط به ساخت نیز این سوال مطرح است که آیا مسئولیت افراد درگیر در اجرای پروژه ساخت، مبتنی بر داشتن مهارت و مراقبت^۱ لازم است یا مسئولیت محض؟ در این خصوص نظریات متفاوتی به چشم می‌خورد. برخی معتقدند که در پروژه ساخت مسئولیت محض حاکم است. مسئولیت محض به این معنا است که مسئولیت عامل ورود زیان کاملاً به نتیجه تعهدات وی مربوط است و تلاش وی برای جلوگیری از بروز خسارت به هر نحو ممکن مداخلیتی در توجه مسئولیت به وی ندارد. با این حال این دسته اذعان می‌دارند که این نوع از مسئولیت معمولاً در فعالیت‌های بسیار خطرناک مانند مواد منفجره مطرح می‌شود. دادگاه‌ها در برخی موارد مهندس و معمار را برای عیب سازه مسئول دانسته‌اند، هرچند که در قرارداد طراحی بویژه مقرر گردیده است که مهندس و معمار، اجرای پیمانکار را تضمین نمی‌کنند (Kelley, 2013). برخی از نویسندگان مسئولیت محض را مختص قرارداد طراحی و ساخت دانسته‌اند. دادگاهها به وضوح بر این باورند که قاعده تضمین «مناسب بودن برای هدف مقصود»^۲ به سهولت و تلویحاً از قرارداد طراحی و ساخت قابل استنباط است. به عبارت دیگر در این نوع قرارداد پیمانکار «مناسب بودن برای هدف مورد نظر» بودن طراحی را به طور ضمنی تعهد می‌دهد به همین خاطر در صورت عدم تحقق هدف مورد نظر وی مسئولیت محض خواهد داشت (Lupton, 2013). از دید این نویسندگان قاعده کلی مبتنی بودن مسئولیت بر مراقبت و مهارت در خصوص کلیه اشخاص حرفه‌ای که خدماتی به کارفرما ارائه می‌دهند منجمله مهندس مشاور و معمار مجرا است. این در حالی است که مسئولیت پیمانکار در سطح بالاتری نسبت به آن‌ها قرار دارد و بنابر قاعده «مناسب بودن با هدف مورد نظر» مسئولیت وی محض فرض شده است (Bunni, 2005).

نمونه بارز مسئولیت محض طراح در قرارداد طراحی و ساخت را می‌توان در پرونده Greaves & Co (Contractors) Ltd v Baynham Meikle and Partners مشاهده نمود خواهان جهت ساخت انباری قراردادی کلید در دست می‌بندد. کف این انباری برای نگهداری بشکه‌های روغن به کار رفت که توسط لیفتراک جمع آوری و جابه جا می‌شد. خواهان یک قرارداد فرعی جهت طراحی این انبار با خوانندگان منعقد نمود. شرکت مهندسان مشاور ساخت که دقیقاً از هدف اتمام سازه آگاه بودند. طراحی خوانندگان اجازه کافی برای حرکت لیفتراک را نمی‌داد، که در نتیجه آن، کف ترک خورده و بسیار خطرناک گشت. خواهانها در مقابل کارفرما نسبت به هزینه تعویض مسئول دانسته شدند. خواهانها متعاقباً با این ادعا که قرارداد بطور ضمنی حاوی این شرط بوده است که طراحی می‌بایست با هدف مورد نظر مناسب بوده باشد، جهت استیفای مبلغ پرداختی علیه خوانندگان اقامه دعوا نمودند. دادگاه تجدیدنظر حکم داد که، بر اساس این واقیعت‌ها، خوانندگان از باب سهل انگاری مقصرند و بالتبع مسئولیت متوجه آنان می‌باشد. با وجود این، اهمیت این پرونده در خصوص اهداف مطروحه این است که رویه دادگاه به گونه‌ای بوده است که حتی در صورتی که خوانندگان در این خصوص مرتکب تقصیری هم نشده بودند، ممکن است برای نقص در طراحی مسئول قلمداد می‌شدند. دلیل این امر این بود که، هر چند که نمی‌توان فرض نمود که هر طراحی می‌بایست، مناسب بودن طرح خود را با هدف مورد نظر تضمین نمی‌دهد (شرطی که قانوناً به طور ضمنی در هر قرارداد طراحی وجود دارد) بطور ضمنی چنین شرطی را می‌توان بعنوان یک امر موضوعی از قرارداد استنباط نمود. خوانندگان همیشه به این امر وقوف داشته‌اند که انبار به منظور هدف خاصی طراحی شده است و می‌توان اذعان داشت که مناسب بودن آن با هدف موردنظر، پس از تکمیل، توسط آنان تضمین شده بود. بر این اندیشه نیز اخیراً در

¹ -Skill & Care

² -Fitness for Intended Purpose

پرونده *Trebor Bassett Holdings Ltd v ADT Fire and Security plc* صحه گذاشته شده است. علاوه بر پرونده *Greaves*، می‌بایست اذعان داشت که نگرش قانون سستی به مسئولیت خاص طراح و عرضه کننده مصالح این است که چنین مسئولیتی در جایی محقق است که تقصیر محقق باشد. نگرشی که توسط دادگاه تجدیدنظر در پرونده *Hawkins v Chrysler (UK) Ltd and Burne Associates* مورد تایید مجدد قرار گرفت ([Hughes & Murdoch, 2015](#)).

در مقابل اندیشه مسئولیت محض برخی نیز بر این باورند که مسئولیت مهندس مشاور منوط به شرایط قراردادی است که به عنوان مثال می‌تواند دربرگیرنده مسئولیت مربوط به تهیه یا بررسی طراحی و یا مربوط به نظارت بر اجرای طراحی در پروژه و کار مورد نظر باشد. طرح‌هایی که مهندس مشاور در مقام مشاوره ارائه می‌دهد عموماً موضوع تضمین ضمنی قرار نمی‌گیرد. مسئولیت مهندس طراح تفاوتی با مسئولیت سایر اشخاص ندارد. وی ممکن است مسئولیت قراردادی یا قهری پیدا نماید. کارفرما و مهندس طراح ممکن است هر گونه توافقی با هم بنمایند. با این حال طراح باید در اجرای تعهدات قراردادی خود مهارت و مراقبت متعارف را بعمل آورد ([Chappell, 2014](#)). بنابراین مسئولیت قراردادی مهندس مشاور محدود به مهارت و مراقبت متعارف بوده و به عنوان یک قاعده کلی می‌توان گفت که مسئولیت محض برای معمار و مهندس وجود ندارد. آنان در صورتی مسئولیت قراردادی خواهند داشت که در ایفای تعهدات خود مراقبت و مهارت لازم را معمول نداشته باشند ([James](#)).

واقعیت این است که به استثنای موردی که پیمانکار امر طراحی و ساخت را بر عهده می‌گیرد تقریباً حقوقدانان به نام انگلیسی بر این نظرند که نباید مسئولیت طراح یا عرضه کننده مصالح را متفاوت از دیگر مشاغل حرفه‌ای دانست. بنابراین در این مشاغل تخصصی نیز باید بر آن بود که در صورت بروز خسارت مهندس مشاور یا طراح در صورتی مسئول قلمداد می‌شوند که مراقبت و مهارت لازم در چنین حرفه‌ای را به عمل نیاورده باشند.

در نظام حقوقی آمریکا این موضوع برای نخستین بار در پرونده *Cagne v. Bertran* در سال ۱۹۵۴ مطرح گردید. بموجب تصمیم متخذه در این پرونده؛ «آنهايي که خدمات خود را جهت راهنمایی دیگران در زمینه‌های اقتصادی، مالی یا امور شخصی می‌فروشند، در صورت عدم تقصیر یا سوء رفتار عمدی، مسئول نخواهند بود». همین رویه در پرونده *Allied Properties v. Blume* نیز مورد تبعیت قرار گرفته است ([James](#)). با این حال در تألیفات حقوقی این کشور، رویه واحدی در این خصوص به چشم نمی‌خورد. برخی از نویسندگان از برخورد دوگانه قانونگذار با مبنای مسئولیت مدنی قراردادی و غیر قراردادی انتقاد نموده‌اند و دلیلی برای آن نمی‌یابند. برخی نویسندگان چون ملوین ایزنبرگ^۱ بیان داشته‌اند که؛ رژیم حاکم بر حقوق قراردادها، اصولاً تقصیر است و به مواردی چون غیر عادلانه بودن، شرایط غیر قابل پیش‌بینی، تفسیر، اشتباه و عدم ایفای تعهد در قراردادها اشاره می‌نماید که در آنها تقصیر نقش اساسی ایفا می‌کند و یا ریچارد اپستین^۲ بیان می‌دارد که در بسیاری از روابط مبتنی بر رضایت، تقصیر از طریق تعریفی ریزبینانه و دقیق از مفهوم و مضمون تعهد به قواعد مربوط به مسئولیت رسوخ کرده است و از عقد ودیعه به عنوان نمونه یاد می‌کند. او نشان می‌دهد که درک عام از این نوع تعهد مراقبت و مواظبت است و نه تضمین نتیجه. جورج کوهن^۳ استدلال می‌نماید که تقصیر نقش حیاتی در خسارت قراردادی دارد. در مقابل برخی از نویسندگان بر مسئولیت محض تاکید دارند، رابرت اسکات بر این عقیده است که مسئولیت متعهد با درجه تقصیر تغییر پیدا نمی‌کند ([Ben-Shahar](#)). ریچارد پزرن استدلال

¹ - Melvin Eisenberg

² - Richard Epstein

³ - George Cohen.

می‌کند که با توجه نظر **Holmesian** مبنی بر این که مفهوم نقض و پرداخت خسارت در تعهد قراردادی ریشه دوانیده، ضرورتاً این امر دلالت بر مسئولیت محض دارد. بنابراین از نظر این نویسندگان هر نقضی منتهی به پرداخت خسارت است و عنصر تقصیر، مقصر را از تحمل مسئولیت نمی‌رهاند (Posner, 2009).

در باب مسئولیت مهندس مشاور نیز هر چند که در ابتدا و با رسوخ نظریه تعهد ضمنی، مسئولیت محض برای این صنف از متخصصین در نظر گرفته شده بود ولی رویه قضایی این کشور از این نظر فاصله گرفته است. چنانچه در دعوی لاروسا علیه شرکت ساینتیفیک^۱ قاضی حکم داد که «کسانی که از خدمات افراد حرفه‌ای استفاده می‌کنند نمی‌توانند توقع داشته باشند که هیچ گونه اشتباهی توسط این افراد صورت نپذیرد بلکه می‌توانند مهارت و مراقبت متعارف را از آن‌ها انتظار داشته باشند. قرارداد آن‌ها برای خرید خدمات است و نه بیمه». در شرح مسئولیت‌های طراح، بند ۲-۲ از نمونه قراردادی **B101-2007** انجمن معماران آمریکا بیان می‌دارد «طراح خدمات خود را با رعایت مهارت و مراقبت به نحوی که به طور معمول توسط طراحانی که در همان منطقه و در شرایط مشابه رایج است، ارائه می‌دهد».

امروزه قاعده سنتی «مشری باید آگاه باشد»^۲ در گذر زمان کم رنگ‌تر شده و جای خود را به «دکترین حمایت اجتماعی»^۳ داده است. صنف مهندسی نیز اعم از طراح یا مشاور از این تغییر و تحول مصون نمانده است. این امر بویژه پس از واقعه فرو ریختن سالن هتل کانزاس که ۱۱۴ کشته و ۱۸۵ مجروح بر جای گذاشت و ناشی از عیب در طراحی بود بیشتر مدنظر قرار گرفت. با این حال قانونگذار آمریکایی به منظور جلوگیری از کاهش انگیزه و خلاقیت مهندسی، بر خلاف برخی از حرف از قبیل سازندگان کالای منفجره و خطرناک، مسئولیت محض برای آن‌ها را در نظر نگرفته است و مسئولیت اینگونه از اصناف مبتنی بر تقصیر قرار داده است. در این وضعیت این شخص زیان‌دیده است که می‌بایست در صورت بروز خسارت تقصیر مهندس و یا طراح را در ایجاد ضرر وارده به اثبات برساند (Day, 1992).

در حقوق فرانسه ماده ۱۷۹۲ قانون مدنی در باب مسئولیت سازندگان عنوان می‌دارد «تمامی سازندگان قانوناً در مقابل کارفرما و مشتری مسئول خساراتی که از عیوب مربوط به شرایط خاک بستر، که استحکام تمامی سازه، یا جزئی از آن یا تاسیسات نصب شده در آن را به دلیل نامناسب بودن به مخاطره می‌اندازد، می‌باشند. در صورتی که سازنده ثابت نماید که خسارت ناشی از حادثه خارجی بوده است، چنین مسئولیتی محقق نخواهد شد». در بند نخست ماده فوق، قانونگذار فرانسوی به ذکر این سازندگان پرداخته و هر معمار، پیمانکار یا تکنیسین یا هر شخص دیگری که در برابر مدیر پروژه یا کارفرما و بر طبق قرارداد اجاره خدمات، تعهدی بر عهده گرفته است را مشمول حکم ماده مذکور دانسته است.

در بند ۲ نیز قانونگذار فرانسوی با تصریح به فرض مسئولیت مندرج در ماده ۱۷۹۲ اعلام می‌دارد؛ «فرض مسئولیت مقرر در ماده ۱۷۹۲ همچنین قابل تسری به خساراتی است که استحکام بخش‌هایی از تجهیزات کار را تحت تأثیر قرار می‌دهند (Bunni, 2005).

بدین ترتیب همانگونه که مشاهده می‌شود قانونگذار فرانسوی مسئولیت اشخاص درگیر در اجرای پروژه را در مقابل کارفرما و مدیر پروژه مفروض انگاشته است و شخص مقصر نمی‌تواند خود را از زیر بار مسئولیت برهاند مگر اینکه ثابت نماید که خسارت وارده ناشی از حادثه

¹ La Rossa v. Scientific Design Co.
2 - Doctrine of Caveat Emptor.

اصلی است که به موجب آن مشتری باید احتیاط لازم را به عمل آورد و جنس را به مسئولیت خود انتخاب و خریداری نماید.

3 - Doctrine of Protect Public.

خارجی بوده است.^۱ با این حال برخی برآند که مفاد التزام مهندس مشاور از نوع تعهد به وسیله می‌باشد (Malinvaud, 2008). پذیرش این نظر به این معناست که هر چند مسئولیت مدنی قراردادی مهندس مشاور در مقابل کارفرما مبتنی بر تقصیر است با این حال چنین تقصیری در صورت وقوع خسارت، مفروض انگاشته نمی‌شود و مدعی خسارت می‌بایست تقصیر مهندس مشاور را اثبات نماید. این نظر هر چند که بار اثبات را از دوش مهندس مشاور بر می‌دارد، با این حال با ظاهر مواد یاد شده چندان سازگار به نظر نمی‌رسد. بنابراین در این باره باید بر آن بود که از دید قانونگذار فرانسوی مسئولیت عوامل دخیل در اجرای پروژه منجمله مهندس مشاور، در صورت بروز خسارت از ناحیه آنان مفروض تلقی شده و این برداشت علاوه بر همسو بودن با ظاهر مواد یاد شده با طبیعت و اهمیت کار چنین افرادی و تأثیر آن بر سلامت جامعه همخوانی کامل دارد.

در حقوق آلمان خدمات طراحی می‌بایست مناسب با اهداف مورد نظر باشند به همین خاطر شرایط کلی می‌بایست مطابق با آن اتخاذ شود (Axel-Volkmar Jaeger, 2010).

در حقوق مصر نیز ماده ۶۵۱ قانون مدنی بیان می‌دارد: «مهندس معمار و پیمانکار در مقابل آنچه از خرابی کلی یا جزئی که در بنای ساخته شده حادث می‌شود، یا از سازه‌های ثابتی که برپا می‌دارند و مانند آن، به مدت ده سال مسئولیت تضامنی دارند، هر چند که چنین خرابی‌ای از عیب خود زمین ناشی شده باشد یا اینکه کارفرما اجازه تاسیس چنین سازه معیوبی را داده باشد مگر اینکه اراده طرفین بر این واقع شده باشد که عمر سازه کمتر از ۱۰ سال باشد». بر اساس این ماده تعهد پیمانکار و مهندس مشاور در خصوص عیب سازه یا بناء تعهد به نتیجه می‌باشد و نه وسیله. کارفرما نیازی به اثبات تقصیر پیمانکار یا مهندس ندارد چرا که عیب موجود در سازه خود تقصیر است همانگونه که در سایر تعهدات به نتیجه نیز اینچنین است. بنابراین مهندس و پیمانکار نمی‌توانند از خود رفع مسئولیت نمایند مگر این که ثابت نمایند که عیب در اثر حادثه خارجی رخ داده است (Abdel-Samee Al-Oden, 2004).^۲ البته می‌بایست اضافه نمود که مهندس معمار در صورتی با پیمانکار مسئولیت تضامنی دارد که در نظارت بر کار نیز مشارکت داشته باشد در غیر اینصورت معمار تنها در خصوص طراحی مسئول خواهد بود (ماده ۶۵۲ قانون مدنی) و از این حیث مسئولیتی متوجه پیمانکار نیست مگر اینکه عیب به گونه‌ای باشد که آشکار بوده و پیمانکار می‌بایست نسبت به آن وقوف داشته باشد (Abdel-Samee Al-Oden, 2004).

ماده ۸۷۰ قانون مدنی عراق و ماده ۸۸۰ قانون معاملات مدنی نیز با نصی مشابه مسئولیت عینی برای پیمانکار و مهندس در نظر گرفته است. حقوقدانان الجزایری با تکیه بر ماده ۱۷۲ قانون مدنی بیان می‌دارند که مسئولیت پیمانکار و مهندس با توجه به طبیعت تعهدی که پذیرفته‌اند متفاوت می‌باشد. چنانچه هدف و غایت از تعهد مذکور، حصول نتیجه‌ای مانند ساخت بنا، نوسازی یا تخریب باشد، ذمه آنان بری نمی‌شود مگر اینکه نتیجه مورد نظر حاصل آید و در چنین شرایطی نمی‌توانند خود را از بار مسئولیت برهانند مگر اینکه ثابت نماید حادثه خارجی باعث چنین امری شده است، ولی چنانچه تعهد پیمانکار و مهندس، تعهد به مراقبت و مواظبت باشد، مانند اداره کردن امور یا نظارت بر اجراء،

^۱ -Comparative Study about Consulting engineers' liability and Insurance Requirements across Europe. Update 2014. European Federation of Engineering Consulting Association (EFCA). http://www.efcanet.org/Portals/EFCA/ELOKET/12868/EFCA%20booklet%20Land%20I_May%202014_final.pdf.

^۲ - «والتزام المقاول بضمان العيب في المنشآت الثابتة هو التزام بتحقيق غايه، لا التزام ببذل عنایه. و لا حاجة لأن يثبت رب العمل ان هناك خطأ في جانب المهندس أو المقاول، إذ وجود العيب في البناء هو ذاته الخطأ، كما هو الامر في كل التزام بتحقيق غايه» عبدالرزاق السنهوري، الوسيط في شرح قانون المدنی، المجلد الاول، العقود اوارده على العمل، المقاوله، الوكاله، الوديعه و الحراسه، دار احیاء تراث العربی، ۱۹۶۴، ص ۱۳۴

در اینصورت تعهد وی محدود است به مراقبت و بذل عنایت، آن هم مراقبتی که از یک فرد متعارف از همان صنف و برای همان کار مورد انتظار است (Ahlam, 2013).

در امارات متحده عربی و دیگر کشورهای خلیج فارس نیز مسئولیت محض برای پیمانکار و مهندس مشاور در نظر گرفته شده است. در امارات متحده عربی پروژه‌ای برای افزایش تراکم بنا از ۵ طبقه به ۲۰ طبقه با پیمانکار منعقد می‌شود. مهندس مشاور تایید نمود که سازه قادر به تحمل این میزان بار اضافی می‌باشد و سپس پیمانکار کار را با این وصف شروع نمود. چند سال پس از تکمیل سازه و تحویل آن، در بررسی‌های بعمل آمده عیوب ظاهر شد. گزارش شهرداری ابوظبی سازه را معیوب و برای سکونت نامناسب تشخیص و دستور تخریب آن را داد. عیب‌های مذکور مربوط به مصالحی بود که مطابق مشخصات تهیه نشده بود. علاوه بر این ساختار سازه مناسب برای تحمیل تراکم اضافی نبوده است. دادگاه تجدیدنظر، مهندس مشاور و پیمانکار را به پرداخت ۷,۰۶۶,۸۰۰ درهم متضامناً و متساویاً به نفع کارفرما محکوم نمود و صاحب شرکت مشاور را به پرداخت ۲,۰۱۱,۴۶۴ درهم بابت اجاره ساختمان به نفع کارفرما محکوم کرد. پیمانکار و مشاور به رای صادره اعتراض نمودند و اعلام داشتند که عیوب قابل انتساب به بخشی از سازه‌ی موجود است. دیوان عالی کشور حکم داد که: «استدلال فوق درست نیست چرا که از نظر این محکمه از نظر تهیه کنندگان پیش نویس ماده ۸۸۰ و مواد بعدی قانون مدنی قرارداد تابع قانون دادگاه، رویه قضایی تطبیقی و مقررات شریعت اسلامی می‌باشد. از لحاظ قانونی، مقررات حاکم بر مهندس بر این اساس مبتنی است که وظیفه وی طراحی، نقشه کشی و نظارت بر اجرا است. مسئولیت ایمنی و فروریختن بنا به عهده مهندس و پیمانکار می‌باشد و از این جهت هر دو، شرایط برابر دارند (به یک اندازه مسئول هستند)، مگر اینکه وظیفه مهندس محدود به طراحی بوده باشد که در این صورت وی تنها نسبت به عیوب و خسارات ناشی از طراحی مسئول خواهد بود. بنابراین مسئولیت مهندس مبتنی است بر قراردادی که فی مابین ایشان و کارفرما منعقد می‌شود که بر اساس آن مهندس در مقابل خطا در طراحی و عیوب ناشی از اجرا مسئول خواهد بود. در حقیقت این نوع مسئولیت قراردادی است که قانوناً مقرر گردیده است خواه در قرارداد طرفین درج شده یا نشده باشد. این نوع مسئولیت به عنوان تعهد به نتیجه در نظر گرفته شده است. هر زمانی که نتیجه مورد نظر محقق نگردد نقض تعهد بدون نیاز به اثبات هرگونه تقصیری حاصل شده است. دادگاه عالی فدرال حکم دادگاه تجدیدنظر را بر این اساس که مسئولیت متوجه هر دوی مهندس مشاور و پیمانکار بوده است، ابرام نمود چرا که اینان می‌بایست اطمینان حاصل می‌نمودند که سازه موجود قادر به تحمل طبقات اضافی بدون نیاز به اثبات هرگونه تقصیر را دارا می‌باشد (Grose, 1988).

در فیدیک به مانند حقوق انگلیس، در خصوص مسئولیت مهندس مشاور رویه واحدی به چشم نمی‌خورد. در کتاب قرمز فیدیک^۱ قاعده وظیفه مراقبت^۲ که در حقوق قراردادهای انگلستان نیز رواج دارد، در ارتباط با مسئولیت مهندس قابل بررسی می‌باشد. در شرایط کلی، وظیفه داشتن مهارت و مراقبت و کوشش متعارف^۳ معیاری است برای تعیین مسئولیت شخص حرفه‌ای، در حالی که مسئولیت پیمانکار مبتنی بر مناسب بودن یا صلاحیت داشتن برای هدف مورد نظر است. بطور کلی پذیرفته شده است که طراح برای طراحی مورد نظر، هدف تلقی می‌شود به خصوص اگر فردی خبره و متخصص نسبت به آن طراحی فرض شود. اگر نسبت به آن خبره نباشد، او در این کار مراقبت متعارف

^۱ - این کتاب بر اساس شکل قرارداد ACE انگلیس شکل گرفته است که خود قرارداد ACE نیز بر اساس شکل قرارداد استاندارد ICE همان کشور طراحی شده است. (Nael G. Bunni - همان منبع، ص ۱۸).

^۲ - The Standard of Duty of Care.

^۳ - Duty of reasonable skill, Care and diligence.

را نداشته است. به عنوان مثال اگر یک ایستگاه پمپاژ طراحی شده باشد تا میزان مشخصی آب را در هر ساعت عبور دهد وقتی که طراح می‌داند که میزان واقعی مورد نیاز برای چنین امری دو برابر میزان طراحی شده است در چنین حالتی وی فاقد مراقبت تلقی می‌شود. در خصوص مسئولیت مهندس طراح در مقابل کارفرما، معیار مراقبت و مهارت نهاده شده بر دوش مهندس به عنوان طراح به بهترین وجه در رای صادره در پرونده *Whitehouse V. Jordan (1981)* توسط مجلس لردان قابل توصیف است (Bunni, 2005). بر اساس شرط کتاب سفید^۱ مشاور مسئولیتی بیش از ایفای تعهدات خویش بر طبق شرایط قراردادی و با لحاظ مهارت، مراقبت و کوشش متعارف ندارد (Axel-Volkmar Jaeger, 2010). در آخرین ویرایش مربوط به کتاب مذکور به سال ۲۰۱۷ ویرایش پنجم در همین خصوص بیان می‌دارد «در انجام خدمات، مشاور مسئولیتی فراتر از ایفای تعهدات بر مبنای مهارت، مراقبت و کوشش متعارف بر عهده ندارد، مسئولیتی که از مشاوره خبره در ارائه خدمات مشابه برای پروژه‌ای با همان اندازه، طبیعت و پیچیدگی انتظار می‌رود.^۲

۳- برآمد

به عنوان نتیجه گیری می‌توان بیان داشت که نگرش و رویکرد کشورهای مختلف در رابطه با مسئولیت قراردادی مهندس مشاور، به عنوان احدی از مشاغل حرفه‌ای مقید و محدود به داشتن مهارت، دقت و کوشش متعارف است. هر چند که برخی از نویسندگان مرحله طراحی را جدای از مرحله نظارت تلقی نموده و بر لزوم تبعیت طراحی از محاسبات دقیق و مصون از هر گونه خطا تاکید نموده‌اند و از این جهت مسئولیت طراح را محض فرض نموده‌اند، با این حال همانگونه که در مقررات کشورهای مختلف ملاحظه گردید، نظام‌های مختلف حقوقی بدون تفکیک میان این دو مرحله، ماهیت کار مهندس مشاور را خطا ناپذیر فرض نموده و صرفاً بر مسامحه و مهارت متعارف وی تاکید نموده‌اند. بنابراین با این تفصیل می‌توان بیان داشت که مسئولیت قراردادی مهندس مشاور مبتنی بر «تقصیر» است که این تقصیر بنا به مفاد التزام و به تبعیت از اراده طرفین مفروض تلقی شده است، امری که در کشور ما نیز به موجب مقررات مربوط به شرایط عمومی همسان قراردادهای خدمات مشاوره مورد پذیرش قرار گرفته است، هر چند که مقنن در برخی از موارد و به منظور حمایت از حقوق افراد جامعه گام‌هایی در جهت گسترش مسئولیت محض نیز برداشته است. به عنوان مثال در خصوص مسئولیت طراح در صنعت ساختمان می‌توان به ماده یک لایحه بیمه اجباری مسئولیت حرفه‌ای مجریان ساخت و ساز ساختمان‌ها مصوب ۱۳۸۵/۰۵/۰۸ هیات وزیران اشاره نمود که در این باره عنوان می‌دارد «هر یک از عوامل دخیل در ساخت و ساز ساختمان اعم از مجری، طراح، محاسب، ناظر، پیمانکار و پیمانکاران فرعی، تولیدکنندگان و فروشندگان مصالح، فرآورده‌ها، تجهیزات و تاسیسات ساختمانی مناسب با سهمی که در کیفیت ساختمان احداث شده دارند، برای مدت ۱۰ سال از شروع بهره برداری مسئول جبران خسارات‌های بدنی و مالی ناشی از هر گونه عیب و نقص در ساختمان و اجزا و

¹ - White Book.

² - Conditions of Contracts for the new Client / Consultant Model Services Agreement 5th Edition (2017 White Book).

تاسیسات نصب شده در آن خواهند بود. این مسئولیت در قبال خریداران و یا بهره برداران بر عهده مجری خواهد بود». بنابراین همانگونه که ملاحظه می شود مسئولیت طراح در مقابل مجری بصورت محض فرض شده است. بر همین اساس مقرره مذکور اینگونه شاغلین را مکلف به بیمه نمودن خدمات خود نموده است. در هر حال هر چند که این قانون به تصویب نرسیده و موضوع این ماده نیز قابلیت تسری به پروژه های عمرانی را ندارد با این حال از باب تحلیل نگرش و اراده قانونگذار به اینگونه مشاغل می تواند مفید فایده واقع شود.

تعارض منافع

در انجام مطالعه حاضر، هیچ گونه تضاد منافی وجود ندارد.

مشارکت نویسندگان

در نگارش این مقاله تمامی نویسندگان نقش یکسانی ایفا کردند.

حامی مالی

این پژوهش حامی مالی نداشته است.

EXTENDED SUMMARY

The liability of consulting engineers, particularly in large construction and infrastructure projects, is a critical issue that involves adhering to contractual obligations and technical standards. Any failure in fulfilling these obligations can lead to civil liability, making it essential to understand the legal framework surrounding this issue. In domestic law, particularly within the context of the Iranian legal system, the contractual liability of consulting engineers is primarily addressed through provisions found in standardized consulting service contracts. Article 26 of these contracts suggests that consulting engineers' liability is purely technical. However, a deeper analysis reveals that fault plays a central role in determining liability. The presumption of fault is especially relevant in cases where a "shortcoming" or failure in contractual obligations is identified. This interpretation aligns with Article 8 of the same regulation, which limits the engineer's responsibility to due efforts and endeavors, thus implying that negligence or fault is the basis for liability in most instances (Katouzian, 2016).

Foreign legal systems, such as those in the United States, United Kingdom, France, Germany, and Egypt, offer a varied perspective on the contractual liability of consulting engineers. In these countries, the majority of legal scholars agree that fault is a significant factor in establishing liability. However, there are nuances. For example, in the United States, strict liability may be imposed in certain high-risk scenarios, though this is not the norm in contractual obligations for consulting engineers (Prosser & Page, 2004). Similarly, in English law, strict liability applies primarily in cases involving hazardous materials, while for consulting engineers, the emphasis remains on fault-based liability (Neil, 2011).

In France, the legal system introduces a presumption of fault, particularly in cases where a defect in construction leads to damages. French civil law imposes liability on architects and consulting engineers unless they can prove that the defect resulted from an external factor beyond their control. This approach emphasizes the responsibility of consulting engineers to adhere to technical standards and contractual obligations, reinforcing the notion that fault or negligence underpins their liability (Bunni, 2005). Similarly, in Germany, the concept of fault is deeply ingrained in the legal framework governing consulting engineers. The German Civil Code, specifically Article 280, requires engineers to demonstrate due diligence in their professional duties. If they fail to meet this standard, they can be held liable for any resulting damages (Markesinis & Johnston, 2006).

The comparative analysis between domestic and foreign laws reveals a shared emphasis on fault as the primary basis for liability, though the implementation of this principle varies across jurisdictions. In Egypt and other Middle Eastern legal systems, consulting engineers are held to a high standard of responsibility, particularly in construction projects. The Egyptian Civil Code, for example, imposes joint liability on engineers and contractors for any defects in the structure, unless they can demonstrate that the damage was caused by external factors beyond their control (Abdel-Samee Al-Oden, 2004).

The findings of this study suggest that while there is a global consensus on the fault-based liability of consulting engineers, the extent to which this liability is applied can differ depending on the legal system. In some jurisdictions, such as the United States and the United Kingdom, there may be instances where strict liability is applied, particularly in high-risk situations. However, in most cases, consulting engineers are required to demonstrate due diligence and adhere to technical standards to avoid liability.

In conclusion, the contractual civil liability of consulting engineers is primarily based on fault, both in domestic and foreign legal systems. This liability framework ensures that engineers are held accountable for any shortcomings or failures in fulfilling their contractual obligations. However, the application of this principle can vary, with some legal systems imposing stricter standards of liability in certain contexts. Understanding these legal nuances is crucial for consulting engineers operating in international projects, as the basis of liability can significantly impact their professional responsibilities and risk management strategies.

References

- Abdel-Samee Al-Oden, S. (2004). *The Liability of Consulting Engineers and Contractors in Civil Contracts and Turnkey Contracts*. Al-Maarif Publishing.
- Ahlam, N. (2013). The National Forum on: Issues of Urban Real Estate and Their Impact on Development in Algeria, Held on February 17-18, 2013, Mohamed Khodair University - Sabkra.
- Al-Sanhouri, A. A.-R. (1964). *The Intermediate in Explaining Civil Law* (Vol. 1). Dar Ihya Al-Turath Al-Arabi.
- Axel-Volkmar Jaeger, G. t.-S. H. k. (2010). *FIDIC-A Guide for Practitioners*. Springer-Verlag Berlin Heidelberg.

- Barikloo, A. (2006). *Civil Liability* (1st ed.). Mizan Publishing.
- Ben-Shahar, O. (2009). Fault in American Contract Law. *University of Chicago Law School, Journal Articles*. <https://doi.org/10.1017/CBO9780511780097>
- Bunni, N. G. (2005). *The FIDIC Forms of Contract*. Blackwell Publishing. <https://doi.org/10.1002/9780470759417>
- Chappell, D. (2014). *The JCT Standard Building Contract 2011, An explanation and guide for busy practitioners and students*. John Wiley & Sons, Ltd. <https://doi.org/10.1002/9781118351369>
- Day, R. W. (1992). Strict Liability in Civil Engineering Practice. *American Society of Civil Engineers journal*.
- Ghahramani, N. (2005). *Civil Liability of Attorneys* (2nd ed.). Dadgostar Publishing.
- Ghorbanpour, A. M. (2015). *Contractual Liability (Nature and Foundations)* (2nd ed.). Majd Publishing.
- Grose, M. (1988). *Construction Law in the United Arab Emirates and the Gulf*. Wiley-Blackwell.
- Hughes, W. C. R., & Murdoch, J. (2015). *Construction Contracts, Law and Management*. Routledge, Taylor & Francis Group. <https://doi.org/10.4324/9781315695211>
- James, M. F. Construction Law, Liability for the Construction of Defective Building.
- Katouzian, N. (1997). *General Rules of Contracts* (2nd ed., Vol. 4). Ettehad Publishing in collaboration with Bahman Borna Company.
- Katouzian, N. (2016). *Civil Liability* (14th ed., Vol. 1). University of Tehran Press.
- Kelley, G. S. (2013). *Construction Law and Introduction for Engineering, Architects, and Contractors*. John Wiley & Sons, Inc. <https://doi.org/10.1002/9781118359150>
- Lupton, S. (2013). *Cornes and Lupton's, Design Liability in the Construction Industry*. John Wiley & Sons, Ltd. <https://doi.org/10.1002/9781444361162>
- Malinvaud, P. (2008). *Responsabilité des constructeurs (droit privé): responsabilité de droit commun, dans Droit de la construction*. Dalloz Action.
- Markesinis, S. B. U. H., & Johnston, A. (2006). *The German Law of Contract, A Comparative Treaties* (2nd ed.). HART Publishing, Oxford and Portland, Oregon.
- Neil, A. (2011). *Contract Law*. Cambridge University Press. <https://doi.org/10.1017/CBO9780511973567>
- Posner, R. A. (2009). Fault in American Contract Law. *Michigan Law Review, Vol. 107, No. 8, Symposium*. <http://www.jstor.org/page/info/about/policies/terms.jsp>
- Prosser, K., & Page, W. (2004). *Prosser and Keeton on Tort* (5th ed.). West Group.
- Starck, B. (1731). *Droit Civil, Obligations*. Librairies Techniques.